

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد حدیث سالخورگان بهشت

استاد راهنما: حجت الاسلام خطیبی

گردآورنده: حسین طهماسبی فر

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

چکیده

روایت سالخوردگان بهشت یکی از دلایلی است که اهل سنت برای برتر نشان دادن ابوبکر و عمر بر سایرین بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در بحث صحیح بودن خلافت بیان کرده‌اند و به آن تمسک جسته‌اند. پژوهش حاضر با هدف نشان دادن این که حدیث سالخوردگان بهشت از روایات باطل و جعلی می‌باشد، انجام شده است. برای رسیدن به هدف پژوهش به جمع آوری اطلاعات از منابع اهل سنت پرداخته شد و روایت از لحاظ سندی و دلالتی بررسی و اعتراف علمای اهل سنت ذیل روایت بیان گردید. روایت سالخوردگان بهشت هم از لحاظ سندی و هم از لحاظ دلالتی و مفادی ضعیف است و در مقابل روایت «الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة» جعل و وضع شده است و باطل می‌باشد.

واژگان کلیدی

پیران- جعل حدیث- علمای رجال اهل سنت- ضعیف- جوانان

مقدمه

سیوطی روایت «هما سیدا کهول أهل الجنة، ما خلا النبیین و المرسلین» (ابوبکر و عمر به جز انبیاء و رسولان الهی بر سایر کهنسالان و پیران بهشت آقایی و سروری می‌کنند) را یکی از ادله برتری ابوبکر بر سایر اصحاب پیامبر دانسته و معتقد است که همه اهل سنت متفق القول پس از رسول خدا، ابوبکر را برتر از سایرین می‌دانند.^۱

این روایت توسط ترمذی، ابن ماجه، احمد بن حنبل، ابن ابی شیبه، ابویعلی موصلی، خطیب بغدادی، طبرانی، ابن حبان از طریق چند نفر از صحابه همچون حضرت علی علیه السلام، عبدالله بن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوسعید خدری، ابوجحیفه، انس بن مالک و عبدالله بن عمر نقل شده است.^۲

^۱ تاریخ الخلفاء: ص ۳۷، بیان أنه أفضل الصحابة و خیرهم

^۲ سنن الترمذی: ص ۶۶۱، کتاب المناقب، باب ۱۶، باب فی مناقب ابی بکر و عمر، ج ۳، ۳۶۶۴، ۳۶۶۵، ۳۶۶۶؛ سنن ابن ماجه: ص ۱۷، المقدمة، باب ۱۱، باب فی فضائل أصحاب رسول الله، باب فضل ابی بکر، ج ۹۵ و ۱۰۰؛ المسند: ج ۱، ص ۸۰؛ المصنف فی الاحادیث و الآثار: ج ۷، ص ۴۷۳، کتاب الفضائل، ما ذکر فی ابی بکر، ج ۱۹؛ مسند ابی یعلی: ج ۱، ص ۴۰۶، مسند علی بن ابی طالب، ج ۵۳۳ و ص ۴۶۰، مسند علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۶۲۴؛ تاریخ بغداد أو مدینه الاسلام: ج ۱۴، ص ۲۱۶، شرح حال یحیی بن موسی الوراق، ش ۷۵۰ و ج ۱۰، ص ۱۹۲، شرح حال عبدالله بن هارون شیعی، ش ۵۳۳۱؛ المعجم الکبیر: ج ۲۲، ص ۱۰۴، مالک بن مغول عن عون بن ابی جحیفه، ج ۲۵۷؛ المعجم الأوسط: ج ۱، ص ۳۷۰-۳۶۹، من اسمه احمد، ج ۱۳۴۸؛ ج ۳، ص ۲۳۱

این حدیث هم از جهت سندی و هم از جهت دلالتی ضعیف می‌باشد.

ضعف سندی

اکثر روایان حدیث از سوی خود رجال اهل سنت ضعیف شمرده شده‌اند. در ادامه به بررسی روایان حدیث سالخوردهگان بهشت می‌پردازیم:

۱. حسن بن زید

یکی از روایان حدیث است که در میان صاحبان صحاح و سنن اهل سنت فقط نسائی یک روایت از او ذکر کرده است.

یحیی بن معین که یکی از معروف‌ترین علمای رجال اهل سنت است، حسن بن زید را با عباراتی همچون «ضعیف» و «ضعیف الحدیث» تضعیف کرده است.

ابن عدی، ابن جوزی نیز حسن بن زید را ضعیف شمرده‌اند.^۳

۲- ولید بن محمد موقری بلقاولی شامی

از موالیان بنی امیه و یزید بن عبدالملک بن مروان و همدم زهری و از روایان شامی است.

بنا بر گفته احمد بن حنبل و ابن حجر عسقلانی، احدی ولید بن محمد را ثقه ندانسته و از او روایت نقل نکرده است.^۴

بخاری، محمد بن عیسی ترمذی، نسائی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ذهبی، دارقطنی و ابن حبان، ابوحاتم، ابوزرعه رازی، علی بن مدینی، ابن خزیمه، ابونعیم، محمد بن عوف طائی، جزجانی، یعقوب بن سفیان، ابوجعفر عقیلی، دکتر عبدالمعطی، مبارکفوری نیز ولید بن محمد موقری را با صفاتی همچون «غیر قابل اعتماد»، «دروغگو»، «متروک الحدیث»، «منکر الحدیث»، «لین الحدیث»، «کثیر الغلط» ضعیف شمرده‌اند.^۵

۲۳۲، من اسمہ عبداللہ، ج ۴۳۱ و ج ۶، ص ۲۹۱، من اسمہ مقدم، ج ۸۸۰ و المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۷۷، باب من اسمہ محمد و صحیح ابن حبان، ج ۶، ص ۲۵۶.

^۳ میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۱، ص ۴۹۲، شرح حال حسن بن زید، ش ۱۸۵۰؛ المغنی فی الضعفاء، ج ۱، ص ۲۴۸، شرح حال حسن بن زید، ش ۱۴۰۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۲۴۳، شرح حال حسن بن زید، ش ۵۰۶؛ الکامل فی ضعف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۶-۲۳۵، شرح حال حسن بن زید، ش ۴۵۸؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۴۰، فصل فی تجرید الأسماء التي حذفها من المیزان اکتفاء بذكرها فی تهذیب الکمال، من اسمہ الحسن و الحسین، ش ۲۶۴۰؛ الموضوعات، ج ۲، ص ۲۲۴، کتاب الجهاد، باب فی ذکر الخیل؛ الجرح و التعديل، ج ۳، ص ۱۴، شرح حال حسن بن زید، ش ۴۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۶۶، شرح حال حسن بن زید، ش ۲۷۵؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۴، ص ۳۴۰-۳۳۲، شرح حال حسن بن زید، ش ۱۲۱۳؛ تاریخ بغداد أو مدینة السلام، ج ۷، ص ۳۱۳-۳۰۹، شرح حال حسن بن زید، ش ۳۸۲۵؛ الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة، ج ۱، ص ۲۲۱، شرح حال حسن بن زید، ش ۱۰۳۷.

^۴ تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۳۱، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۲۵۱

^۵ تهذیب التهذیب، ج ۱۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲، شرح حال ولید، ش ۲۵۱؛ المجروحین، ج ۳، ص ۷۸-۷۶، شرح حال ولید بن محمد موقری؛ الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۱۵، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۶۵؛ تاریخ الكبير، ج ۸، ص ۱۵۵، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۲۵۴۲؛ الضعفاء

۳- حارث بن عبدالله اعور همدانی

عمرو بن علی می‌گوید: «یحیی و عبدالرحمن روایاتی را که از طریق حارث بن عبدالله از حضرت علی علیه‌السلام نقل شده، به هیچ وجه نقل نمی‌کردند».^۶

نسائی، یحیی بن معین، ذهبی، ابن حجر عسقلانی، ابن حبان، شعبی، علی بن مدینی، سبئی، ابوخیثمه، ابوالحسن دار قطنی، ابوزرعه رازی، ابوحاتم رازی، ابن عدی، ابن سیرین، جریر بن عبدالحمید، بندار، یحیی بن سعید، ابن مهدی نیز حارث بن عبدالله را تضعیف کرده‌اند.^۷

حارث از نظر شیعه معتبر است^۸ و شاید به همین خاطر روایت را از زبان او نقل کرده‌اند تا بقیه بخصوص شیعه قبول کند.

۴- حسن بن عماره بجلي

از موالیان و همدستان حاکمان عباسی بوده و در دوران خلافت منصور دوانیقی منصب قضاوت بغداد را بر عهده داشته‌است.

شعبه بن حجاج در موارد متعدد و با الفاظ مختلف، حسن بن عماره را تضعیف کرده و معتقد است که زنا کردن و نقل حدیث از حسن بن عماره گناه یکسانی محسوب می‌شود.^۹

مسلم بن حجاج، نسائی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، یعقوب بن شبیه، بخاری، ذهبی، شعبه، دار قطنی، ابن حبان، ابوحاتم، علی بن مدینی، صالح بن محمد جزره، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، سعدی، عبدالله بن مبارک، محمد بن

الکبیر: ج ۴، ص ۳۱۸، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۱۹۱۹؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال: ج ۴، ص ۳۴۶، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۹۴۰؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۵۰۰، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۶۸۸۵؛ الکاشف فی معرفه من له روایه فی الکتب السنه: ج ۳، ص ۲۴۲، شرح حال ولید بن محمد موقری، ش ۶۱۹۳؛ سنن الترمذی: ص ۶۶۱، کتاب المناقب، باب ۱۶، مناقب ابی بکر و عمر، ذیل حدیث ۳۶۶۵؛ تحفه الأحمذی: ج ۱۰، ص ۱۴۳ و ۱۴۴، کتاب المناقب، باب فی مناقب ابی بکر و عمر، ذیل حدیث ۳۶۷۴.

^۶ کان یحیی و عبدالرحمن لایحدثان عن ابی اسحاق عن الحارث عن علی». المجروحین: ج ۱، ص ۲۲۲، شرح حال حارث بن عبدالله؛ الکامل فی ضعف الرجال: ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۵، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۳۷۰؛ تهذیب التهذیب: ج ۲، ص ۱۲۶، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۲۴۸.

^۷ میزان الاعتدال: ج ۱، ص ۴۳۶-۴۳۵، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۱۶۲۷؛ الجرح و التعذیل: ج ۳، ص ۷۸ و ۷۹، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۶۳۳؛ الضعفاء الکبیر: ج ۱، ص ۲۰۸ و ۲۰۹، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۲۵۷؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۱، ص ۱۸۱، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۷۱۶؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۱، ص ۲۲۴، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۱۲۳۶؛ لسان المیزان: ج ۷، ص ۲۳۵، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۲۵۶؛ الکاشف: ج ۱، ص ۱۹۵، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۸۶۸؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۴، ص ۱۵۵-۱۵۲، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۵۴؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۴، ص ۴۴-۳۹، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۱۰۰۸؛ تقریب التهذیب: ج ۱، ص ۱۴۱، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۴۰؛ تهذیب التهذیب: ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۶، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۲۴۸.

^۸ «لا ینبغی الریب فی وثاقه الرجل و تقواه» تنقیح المقال فی علم الرجال: ج ۱۷، ص ۱۷۵، شرح حال حارث بن عبدالله، ش ۴۴۲۳.

^۹ «ما أبالی حدثت عن الحسن بن عماره بحدیث أو زنیة زنیة فی الاسلام» قال الشعبه: کذاب یحدث بأحدیث قد وضعها». المجروحین: ج ۱، ص ۲۲۹، شرح حال حسن بن عماره؛ الکامل فی ضعف الرجال: ج ۲، ص ۲۸۳، شرح حال حسن بن عماره، ش ۴۴۵؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۱، ص ۲۰۷، شرح حال حسن بن عماره، ش ۸۴۸؛ الضعفاء الکبیر: ج ۱، ص ۲۳۷، شرح حال حسن بن عماره، ش ۲۸۶؛ میزان الاعتدال: ج ۱، ص ۵۱۴، شرح حال حسن بن عماره، ش ۱۹۱۸.

مثنی، سفیان بن عیینہ، زکریا بن یحیی ساجی، ابن سعد، ابوبکر بزاز، عجلی، دکنتر عبدالمعطی، سهیل زکار نیز حسن بن عماره را با صفاتی همچون «بی ارزش»، «دروغگویی»، «تدلیس»، «متروک الحدیث»، «متهم به جعل و وضع حدیث» تضعیف کرده‌اند.^{۱۰}

۵- زید بن حباب بن ریان تمیمی کوفی

احمد بن حنبل معتقد است که زید بن حباب در نقل حدیث، اشتباهات زیادی دارد و او را با عبارت «کثیر الخطا» تضعیف کرده‌است.^{۱۱}

یحیی بن معین و ابن حبان نیز زید بن حباب را ضعیف شمرده‌اند.^{۱۲}

۶- موسی بن عبیده ربذی

علمای تراجم و رجال اهل سنت، موسی بن عبیده را از موالیان و دوستداران عمر بن خطاب می‌دانند.^{۱۳}

احمد بن حنبل می‌گوید: «احادیث موسی بن عبیده ارزش نوشتن ندارد و از احادیث او دوری می‌کردیم».^{۱۴}

نسائی، ترمذی، یحیی بن معین، ذهبی، ابن مدینی، ابن حبان، ابن قانع، دارقطنی، ابن عدی، ابن حجر عسقلانی، علی بن جنید، یعقوب بن شیبه، ابوزرعه، ابواحمد حاکم، عبدالمعطی، ابوحاتم رازی، زکریا بن یحیی ساجری، علی بن عبدالله مزنی، یحیی بن سعید، قطان، موسی بن عبیده را با صفاتی همچون «بی ارزش»، «منکر الحدیث»، «متروک الحدیث»، «تخصص نداشتن در حدیث»، «ضعیف بودن در نقل حدیث»، «بی ارزش بودن احادیث» تضعیف کرده‌اند.^{۱۵}

^{۱۰} الجرح و التعديل: ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸، شرح حال حسن بن عماره، ش ۱۶؛ تهذيب التهذيب: ج ۲، ص ۲۶۶-۲۶۴، شرح حال حسن بن عماره، ش ۵۳۲؛ الضعفاء الكبير: ج ۱، ص ۲۴۰-۲۳۷، شرح حال حسن بن عماره، ش ۲۸۶؛ میزان الاعتدال: ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۳، شرح حال حسن بن عماره، ش ۱۹۱۸؛ لسان الميزان: ج ۷، ص ۲۴۱، شرح حال حسن بن عماره، ش ۲۶۵۱؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۱، ص ۲۵۴، شرح حال حسن بن عماره، ش ۵۳۲؛ تقریب التهذيب: ج ۱، ص ۱۶۹، شرح حال حسن بن عماره، ش ۲۹۸.

^{۱۱} «كان كثير الخطأ». تاريخ بغداد أو مدينة السلام: ج ۸، ص ۴۴۴، شرح حال زید بن حباب، ش ۴۵۵۲؛ تهذيب الكمال فی أسماء الرجال: ج ۶، ص ۴۴۵، شرح حال زید بن حباب، ش ۲۰۷۷؛ تهذيب التهذيب: ج ۳، ص ۳۴۸، شرح حال زید بن حباب، ش ۷۳۸.

^{۱۲} الكامل فی ضعفاء الرجال: ج ۳، ص ۲۰۹، شرح حال زید بن حباب، ش ۷۰۷؛ میزان الاعتدال: ج ۲، ص ۱۰۰، شرح حال زید بن حباب، ش ۲۹۹۷.

^{۱۳} تهذيب الكمال فی أسماء الرجال: ج ۱۸، ص ۴۹۱، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۸۷۴.

^{۱۴} الكامل فی ضعفاء الرجال: ج ۶، ص ۳۳۳، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۱۸۱۳؛ الضعفاء الكبير: ج ۴، ص ۱۶۱-۱۶۰، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۱۷۳۲؛ الضعفاء و المتروكين: ج ۳، ص ۱۴۷، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۳۴۶۱؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۲۱۳، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۸۸۹۵؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۴۴۱، ش ۶۵۱؛ تهذيب الكمال فی أسماء الرجال: ج ۱۸، ص ۴۸۹-۴۸۸، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۸۷۴؛ تهذيب التهذيب: ج ۱۰، ص ۳۱۹، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۳۶.

^{۱۵} الكامل فی ضعفاء الرجال: ج ۶، ص ۳۳۳-۳۳۴، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۱۸۱۳؛ الضعفاء و المتروكين: ج ۳، ص ۱۴۷، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۳۴۶۱؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۲۱۳، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۸۸۹۵؛ تهذيب الكمال فی أسماء الرجال: ج ۱۸، ص ۴۹۱-۴۸۸، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۸۷۴؛ تهذيب التهذيب: ج ۱۰، ص ۳۲۱-۳۱۹، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۳۶؛ الضعفاء الكبير: ج ۴، ص ۱۶۰، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۱۷۳۲؛ تقریب التهذيب: ج ۲، ص ۲۸۶، ش ۱۴۸۳؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۴۴۱، ش ۶۵۱۰.

ابن سعد هر چند موسی بن عبیده را ثقه دانسته ولی او را حجت نمی‌داند.^{۱۶}

۷- ابومعاذ

یکی از راویانی که در برخی اسناد روایت قرار دارد و از مشایخ موسی بن عبیده به شمار می‌رود، فردی به نام ابومعاذ است. علمای رجال در شرح حال موسی بن عبیده و در مقام شمارش مشایخ وی هیچ نامی از ابومعاذ به میان نیاورده‌اند و ابومعاذ در سند مذکور فردی مجهول و نامشخص است.^{۱۷}

۸- خطاب یا ابوخطاب

مطابق سند ابن ابی شیبه، شخصی که روایت را از حضرت علی علیه‌السلام نقل کرده، معلوم نیست «خطاب» است یا «ابوخطاب».

ذهبی چهار نفر را با کنیه «ابوالخطاب» بیان می‌کند: ۱- ابوالخطاب مصری که از ابوسعید خدری روایت نقل کرده و ابوالخیر مرثد از او روایت نقل می‌کند ۲- ابوالخطاب که از ابوزرع بن عمرو بن جریر بجلی روایت نقل می‌کند ۳- ابوالخطاب دمشقی که اسمش حماد است و از رزیک الهمانی روایت نقل می‌کند و هشام بن عمار و مسلمة الخشنی از او روایت نقل می‌کنند ۴- ابوالخطاب دمشقی خیاط

با در نظر گرفتن طبقه رجالی، تنها ابوالخطاب مصری می‌تواند از امام علی علیه‌السلام روایت نقل کند که این شخص هم بنا بر گفته ذهبی، شخصی مجهول و نامشخص است.

ابوالحجاج مزنی هم چهار نفر را به نام ابوالخطاب می‌خواند که هیچ‌کدام از آن‌ها از امام علی علیه‌السلام روایت نقل نکرده‌اند و از نظر طبقه رجالی نیز نمی‌توانند از امام علی علیه‌السلام روایت نقل کنند.^{۱۸}

۸- یونس بن ابی اسحاق سبعی کوفی

احمد بن حنبل با عبارت «کذا و کذا» به تضعیف یونس بن ابی اسحاق پرداخته است. ذهبی در توضیح کذا و کذا می‌گوید: «بر اساس بررسی انجام‌شده و تجربه‌ای که به دست آورده‌ام، احمد بن حنبل عبارت «کذا و کذا» را در مورد راویانی که در در آنان ضعف و سستی وجود داشته باشد، به کار می‌برد».^{۱۹}

^{۱۶} «لیس بحجة». میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۲۱۳، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۸۸۹۵؛ تهذیب الکنال فی أسماء الرجال: ج ۱۸، ص ۴۹۱، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۸۷۴؛ تهذیب التهذیب: ج ۱۰، ص ۳۲۰، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۳۶.

^{۱۷} تهذیب الکنال فی أسماء الرجال: ج ۱۸، ص ۴۹۱-۴۸۶، شرح حال موسی بن عبیده، ش ۶۸۷۴.

^{۱۸} میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۵۲۰، شماره‌های ۱۰۱۵۴، ۱۰۱۵۳، ۱۰۱۵۲، ۱۰۱۵۱، ۱۰۱۵۱؛ تهذیب الکنال فی أسماء الرجال: ج ۲۱، ص ۲۰۵-۲۰۳، شماره‌های ۷۹۴۰، ۷۹۳۹، ۷۹۳۸، ۷۹۳۷، ۷۹۳۷؛ تهذیب الکنال فی أسماء الرجال: ج ۵، ص ۴۷۰-۴۶۷، شماره‌های ۱۶۸۱، ۱۶۸۰، ۱۶۷۹، ۱۶۷۸.

^{۱۹} «هذه العبارة يستعملها عبدالله بن أحمد كثيراً فيما يجيبه به والده وهي بالاسقراء كناية عن فيهِ لين». میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۴۸۳، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۹۹۱۴. الضعفاء الكبير: ج ۴، ص ۴۵۸، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۲۰۸۸؛ الکنال فی ضعفاء

ابوحاتم رازی، یحیی بن سعید قطان، ابن خراش، ابن حزم نیز یونس بن ابی اسحاق را با صفاتی همچون «مضطرب بودن» و «سستی در احادیث» تضعیف کرده‌اند.^{۲۰}

۹- وکیع بن جراح رؤاسی

قول به حلیت نبیذ، شراب خواری، خطا و اشتباه، نقل به معنی، تغییر الفاظ حدیث، تصحیف، تنقیص عثمان، رفض و تشیع نمونه‌هایی از تضعیفات وکیع بن جراح است.

ابن مدینی می‌گوید: «وکیع به زبان عربی تسلط نداشت و اشتباه می‌کرد و اگر اشتباهاتش را نقل کنم تعجب خواهی کرد. وکیع در حالی که حدود ۲۴ سال پس از مرگ شعبی به دنیا آمده، از شعبی روایت نقل می‌کند».

یحیی بن معین، ذهبی، محمد بن نصر، عبدالله بن احمد بن حنبل، نعیم بن حماد، اسحاق بن بهلول و ابوسعید اشج، وکیع بن جراح را تضعیف کرده‌اند.^{۲۱}

۱۰- طلحه بن عمرو بن عثمان حضرمی مکی

بخاری که خیلی مایل به جرح افراد نیست، در شرح حال طلحه بن عمرو به جرح وی توسط یحیی بن معین اشاره کرده و می‌نویسد: «طلحه بن عمرو و احادیث وی نزد علماء از سستی و لین برخوردار است».^{۲۲}

نسائی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابوداود سجستانی، ابن مدینی، ابوحاتم رازی، ابوزرعه رازی، ابوالحسن دار قطنی، عجلی، ابن عدی، علی بن جنید، ابن سعد، بزار، ابواحمد حاکم، فسوی، جزجانی، ابن حجر عسقلانی و دکتر سهیل زکار نیز طلحه بن عمرو را با صفاتی همچون «بی ارزش»، «نقل ضعیف»، «ضعیف»، «متروک» تضعیف کرده‌اند.^{۲۳}

الرجال: ج ۷، ص ۱۷۹، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۲۰۸۵؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۴۸۳، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۹۹۱۴؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۲، ص ۵۲۶، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۷۷۶۴؛ تهذیب التهذیب: ج ۱۱، ص ۳۸۲، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۷۴۴.

^{۲۰} الجرح و التعديل: ج ۹، ص ۲۴۴، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۱۰۲۴؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۳، ص ۲۲۳، من اسمه یونس، ش ۲۸۱۳؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۵۶۴، ش ۷۲۷۲؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۴۸۳-۴۸۲، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۹۹۱۴؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۵، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۷۷۶۴؛ تهذیب التهذیب: ج ۱۱، ص ۳۸۲-۳۸۱، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۷۴۴. الکامل فی ضعفاء الرجال: ج ۷، ص ۱۷۹-۱۷۸، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۲۰۸۵؛ الضعفاء الکبیر: ج ۴، ص ۴۵۷، شرح حال یونس بن ابی اسحاق، ش ۲۰۸۸.

^{۲۱} میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۳۳۵-۳۳۶، شرح حال وکیع، ش ۹۳۵۶؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۹، ص ۱۶۸-۱۴۰، شرح حال وکیع، ش ۴۸؛ تاریخ بغداد أو مدینة السلام: ج ۱۳، ص ۵۱۲-۴۹۶، شرح حال وکیع، ش ۷۳۳۲؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۱۹، ص ۴۰۴-۳۹۱، شرح حال وکیع، ش ۷۲۸۹؛ تهذیب التهذیب: ج ۱۱، ص ۱۱۴-۱۰۹، شرح حال وکیع، ش ۲۱۱.

^{۲۲} «هو لین عندهم. قال یحیی لیس بشيء». التاریخ الکبیر: ج ۴، ص ۳۵۱-۳۵۰، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۳۱۰۴.

^{۲۳} المجروحین: ج ۱، ص ۳۸۲، شرح حال طلحه بن عمرو؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۲، ص ۶۵، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۱۷۴۱؛ تهذیب التهذیب: ج ۵، ص ۲۲، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۳۸؛ الجرح و التعديل: ج ۴، ص ۴۷۸، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۲۰۹۷؛ الکامل فی ضعفاء الرجال: ج ۴، ص ۱۰۷-۱۰۸، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۹۵۴؛ الضعفاء الکبیر: ج ۲، ص ۲۲۴، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۷۶۹؛ الضعفاء و

۱۱-مقدم بن داود بن عیسی بن تلید مصری

نسائی، مقدم بن داود را ثقة ندانسته و با عبارت «لیس بثقة» وی را تضعیف کرده است.^{۲۴}

ابوحاتم رازی، ابن یونس، محمد بن یوسف کندی، ابن قطان، ابوالحسن دار قطنی، نیز مقدم بن داود را با عباراتی همچون «ضعیف» و «غیر قابل اعتماد» تضعیف کرده اند.^{۲۵}

۱۲-علی بن عابس اسدی کوفی ارزق

یحیی بن معین، نسائی، ابن حبان، ابوحاتم رازی، ابوالفتح ازدی، محمد بن احمد ذهبی، ابن حجر عسقلانی، سعدی، ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، سهیل زکار و عبدالمعطی، علی بن عابس را با عباراتی مختلف همچون «لیس بشيء» و «ضعیف الحدیث» تضعیف کرده اند.^{۲۶}

۱۳-عطیه بن سعد بن جناده عوفی کوفی

عطیه بن سعد عوفی، شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام می باشد و از نظر ما فردی معتبر و مورد اعتماد است و نقل چنین روایاتی از او محال است و شاید چون عطیه شیعه است این روایت را به نسبت داده اند تا دیگران بخصوص شیعیان باور کنند.^{۲۷}

زکریا بن یحیی ساجی، در مورد عطیه عوفی می گوید: «عطیه عوفی حضرت علی علیه السلام را برتر و مقدم بر سایر خلفاء و صحابه می دانست».^{۲۸}

المتر و کین: ج ۲، ص ۶۵، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۱۷۴۱؛ میزان الاعتدال: ج ۲، ص ۳۴۲-۳۴۰، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۴۰۰۸؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۱، ص ۵۰۲، ش ۲۹۵۷؛ تهذیب التهذیب: ج ۵، ص ۲۱ و ۲۲، شرح حال طلحه بن عمرو، ش ۳۸؛ تقریب التهذیب: ج ۱، ص ۳۷۹، ش ۳۷.
^{۲۴} «لیس بثقة»؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۱۷۶، شرح حال مقدم بن داود، ش ۸۷۴۵؛ لسان المیزان: ج ۶، ص ۱۱۴، شرح حال مقدم بن داود، ش ۸۷۵۱؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۱۳، ص ۳۴۵، شرح حال مقدم بن داود، ش ۱۶۱.
^{۲۵} «لیس بثقة»؛ میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۱۷۶، شرح حال مقدم بن داود، ش ۸۷۴۵؛ لسان المیزان: ج ۶، ص ۱۱۴، شرح حال مقدم بن داود، ش ۸۷۵۱؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۱۳، ص ۳۴۵، شرح حال مقدم بن داود، ش ۱۶۱.
^{۲۶} المجروحین: ج ۲، ص ۱۰۵، شرح حال علی بن عابس؛ الجرح و التعديل: ج ۶، ص ۱۹۷، شرح حال علی بن عابس، ش ۱۰۸۵؛ الکامل فی ضعفاء الرجال: ج ۵، ص ۱۹۰-۱۸۹، شرح حال علی بن عابس، ش ۱۳۴۷؛ الضعفاء و المتر و کین: ج ۲، ص ۱۹۵، ش ۲۳۸۴؛ الضعفاء الکبیر: ج ۳، ص ۲۴۵-۲۴۴، شرح حال علی بن عابس، ش ۱۲۴۳؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۸۹، ش ۴۲۸۹؛ میزان الاعتدال: ج ۳، ص ۱۳۴، شرح حال علی بن عابس، ش ۵۸۷۲؛ لسان المیزان: ج ۷، ص ۳۶۰، ش ۵۸۷۸؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۱۳، ص ۴۱۶-۳۱۴، شرح حال علی بن عابس، ش ۴۶۷۷؛ تهذیب التهذیب: ج ۷، ص ۳۰۲-۳۰۱، شرح حال علی بن عابس، ش ۵۷۱؛ تقریب التهذیب: ج ۲، ص ۳۹، ش ۳۶۵.
^{۲۷} قاموس الرجال: ج ۷، ص ۲۰۹-۲۱۱، شرح حال عطیه بن سعد عوفی، ش ۴۹۰۴ و ۴۹۰۵؛ تنقیح المقال فی علم الرجال: ج ۲، ص ۲۵۳، شرح حال عطیه بن سعد، ش ۷۹۴۱.
^{۲۸} «لیس بجده و کان یقدم علیاً علی الكل»؛ تهذیب التهذیب: ج ۷، ص ۲۰۲، شرح حال عطیه عوفی، ش ۴۱۴.

احمد بن حنبل، نسائی، یحیی بن معین، ابوداود سجستانی، ابوحاتم رازی، ابن عدی، هشیم، سفیان ثوری، ابوزرعہ، ابراہیم بن یعقوب جوزجانی، ابن حبان، ذہبی، ابن حجر عسقلانی و یحیی بن سعید، عطیہ را با صفاتی همچون «متروک»، «ضعیف الحدیث»، «ضعیف»، «تدلیس»، «مائل»، «غیر قابل اعتماد» و «بی ارزش» ضعیف شمرده اند^{۲۹}.

۱۴- خنیس بن بکر بن خنیس

حمدی عبدالمجید سلفی، محقق کتاب معجم الکبیر در نقد حدیث سالخوردهگان بهشت می آورد که صالح جزره و بوصیری معتقدند که خنیس ضعیف است و ثقہ نیست^{۳۰}.

ذہبی و ابن حجر عسقلانی نیز به دلیل ضعیف شمردن خنیس از سوی صالح جزره، خنیس را تضعیف کرده اند^{۳۱}.

۱۵- عبدالقدوس بن بکر بن خنیس

ذہبی در شرح حال عبدالقدوس می نویسد: «بخاری، عبدالقدوس را در کتاب ضعفاء و در شمار راویان ضعیف آورده است»^{۳۲}.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابوخیثمہ نیز عبدالقدوس بن بکر بن خنیس را تضعیف کرده اند^{۳۳}.

۱۶- محمد بن کثیر مصیعی صنعانی ثقفی

ابوداود سجستانی معتقد است که محمد بن کثیر اصلاً حدیث را نمی فهمد^{۳۴}.

^{۲۹} الطبقات الکبری: ج ۶، ص ۳۰۴، شرح حال عطیہ بن سعد عوفی؛ تهذیب التهذیب: ج ۷، ص ۲۰۱، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۴۱۴؛ الجرح و التعديل: ج ۶، ص ۳۸۳، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۲۱۲۵؛ الکامل فی ضعفاء الرجال: ج ۵، ص ۳۶۹، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۱۵۳۰؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۲، ص ۱۸۰، ش ۲۳۲۱؛ الضعفاء الکبیر: ج ۳، ص ۳۵۹، شرح حال عطیہ بن سعد، ش ۱۳۹۲؛ میزان الاعتدال: ج ۳، ص ۷۹-۸۰، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۵۶۶۷؛ تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: ج ۱۳، ص ۹۱، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۴۵۴۰؛ تهذیب التهذیب: ج ۷، ص ۲۰۱-۲۰۲، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۴۱۴؛ المجروحین: ج ۲، ص ۱۷۶، شرح حال عطیہ بن عوفی؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۶۲، ش ۴۲۳۹؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۵، ص ۳۲۵، شرح حال عطیہ عوفی، ش ۱۵۹؛ تقریب التهذیب: ج ۲، ص ۲۴، ش ۲۱۶.

^{۳۰} «قال شيخنا في سلسلة الصحيحة: وهذا اسناد حسن، رجاله ثقات غير خنیس هذا. قال صالح جزرة: ضعيف... و سكت عليه البوصيري في الزوائد لکنه نص في المقدمة أن ما سكت عليه ففيه نظر». المعجم الکبیر: ج ۲۲، ص ۱۰۴، مالک بن مغول عن عون بن أبي جحيفة، ذیل ح ۲۵۷.

^{۳۱} میزان الاعتدال: ج ۱، ص ۶۶۹، ش ۲۵۷۹؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۱، ص ۳۲۵، ش ۱۹۶۹؛ لسان المیزان: ج ۲، ص ۴۷۶، ش ۳۲۴۶؛ تاریخ بغداد أو مدينة السلام: ج ۸، ص ۳۴۲، شرح حال خنیس بن بکر، ش ۴۴۵۰.

^{۳۲} «ذکره البخاری فی کتاب الضعفاء». میزان الاعتدال: ج ۲، ص ۶۴۲، شرح حال عبدالقدوس بن بکر بن خنیس، ش ۵۱۵۵.

^{۳۳} تهذیب التهذیب: ج ۶، ص ۳۲۹، شرح حال عبدالقدوس بن بکر بن خنیس، ش ۷۰۷.

^{۳۴} «قال أبو داود: لم يكن يفهم الحديث». میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۱۹، شرح حال محمد بن کثیر مصیعی، ش ۸۱۰۰.

بخاری، نسائی، ابوجعفر عقیلی، ابن عدی، علی بن مدینی، احمد بن حنبل، ابوحاتم رازی، ذهبی، صالح بن محمد جزره، زکریا بن یحیی ساجی، ابواحمد حاکم و ابن حجر عسقلانی نیز محمد بن کثیر مصیصی را با صفاتی همچون «بی ارزش»، «منکر الحدیث»، «کثیر الغلط» و «غیر قابل اعتماد» تضعیف کرده‌اند.^{۳۵}

یحیی بن معین تنها کسی است که محمد بن کثیر را ثقه دانسته اما برخی معتقدند که توثیق یحیی بن معین مربوط به محمد بن کثیر فهری است نه محمد بن کثیر مصیصی.^{۳۶}

۱۷- قتاده بن دعامه

ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «قتاده در نقل روایت تدلیس می‌کرد و به تفکر قدری متهم است و بدعت گذار می‌باشد. مطالب ضعیف و قوی و درست و نادرست را در کلام خود وارد می‌کرد. قتاده از سی نفر که اصلاً حدیثی از آنان نشنیده بود، روایت نقل کرده است.»^{۳۷}

۱۸- انس بن مالک

انس بن مالک خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام آمدن پیامبر به مدینه ۱۰ سال داشت. انس را آخرین صحابی پیامبر در بصره می‌دانند.^{۳۸} انس بن مالک هر چند در جنگ جمل در سپاه امام علی علیه السلام بود و در ظاهر با امام علی علیه السلام بود اما از دشمنان حضرت است که فضائل و مناقب آن حضرت را کتمان کرده است.

ابن قتیبہ دینوری، ابونعیم، راغب اصفهانی و ابن ابی الحدید معتزلی ماجرای کتمان فضائل امام علی علیه السلام توسط انس بن مالک و گرفتار شدنش به نفرین امام علی علیه السلام و مبتلا شدنش به برص را نقل کرده‌اند.^{۳۹}

^{۳۵} میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۲۰-۱۸، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۸۱۰۰؛ تهذیب التهذیب: ج ۹، ص ۳۷۰، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۶۸۵؛ الضعفاء الکبیر: ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۹، شرح حال محمد بن کثیر، ش ۱۶۸۷؛ الکامل فی ضعفاء الرجال: ج ۶، ص ۲۵۴-۲۵۵، شرح حال محمد بن کثیر، ش ۱۷۳۲؛ الجرح و التعديل: ج ۸، ص ۶۹-۷۰، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۳۰۹؛ التاریخ الکبیر: ج ۱، ص ۲۱۸، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۶۸۴؛ الضعفاء و المتروکین: ج ۳، ص ۹۴، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۳۱۶۸؛ المغنی فی الضعفاء: ج ۲، ص ۳۶۵، شرح حال محمد بن کثیر، ش ۵۹۲۹؛ سیر أعلام النبلاء: ج ۱۰، ص ۳۸۳، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۱۰۱؛ تقریب التهذیب: ج ۲، ص ۲۰۳، ش ۶۵۳.

^{۳۶} «ذکر فی التذهیب أن قول ابن معین إنما هو فی محمد بن کثیر الفهری». میزان الاعتدال: ج ۴، ص ۱۸، شرح حال محمد بن کثیر مصیصی، ش ۸۱۰۰، پاورقی ش ۱.

^{۳۷} تهذیب التهذیب: ج ۸، ص ۳۱۵-۳۱۹، شرح حال قتاده، ش ۶۳۷.

^{۳۸} الاستیعاب فی معرفة الاصحاب: ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۰، شرح حال انس بن مالک، ش ۸۴؛ أسد الغابة فی معرفة الصحابة: ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۷، شرح حال انس بن مالک، ش ۲۵۸؛ الاصابة فی تمییز الصحابة: ج ۱، ص ۲۷۵-۲۷۸، شرح حال انس بن مالک، ش ۲۷۷؛ تهذیب التهذیب: ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۱، شرح حال انس بن مالک، ش ۶۹۰.

^{۳۹} المعارف: ص ۵۸۰، البرص؛ حلیة الأولیاء و طبقات الأوصیاء: ج ۵، ص ۲۶-۲۷، شرح حال طلحة بن مصرف، ش ۲۸۵؛ شرح نهج البلاغه: ج ۴، ص ۷۴، فصل فی ذکر المنحرفین عن علی علیه السلام؛ محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء: ج ۲، ص ۵۲، الحد السادس فی الشکر و المدح و الحمد و الذم و الاغتیاب و الأدعیة و التهنتة... من شتم کثیراً معرضاً غیر مصرح.

نقل روایت «سالخوردگان بهشت» از زبان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

اینکه در میان راویان حدیث نام حضرت علی علیه السلام به چشم می خورد، طبق نظر امام باقر علیه السلام، در دوران امویان، فضای حاکم بر جامعه به خاطر رواج روایات دروغین به گونه‌ای شده بود که حتی افرادی که ظاهراً انسان‌های خوب و راستگویی بودند، احادیث عجیبی را که به هیچ وجه درست نبود درباره برخی از حاکمان گذشته نقل می کردند و گمان می کردند مطالب درستی را نقل می کنند تا آنجا که مطالب باطل و دروغ را از زبان حضرت علی و امام حسن و امام حسین علیه السلام نقل می کردند که یکی از آن مطالب و احادیث باطل همین روایت سرور پیران اهل بهشت است که به حضرت علی علیه السلام نسبت داده اند.^{۴۰}

امام جواد علیه السلام نیز در مناظره با یحیی بن اَکثم، حدیث سالخوردگان بهشت را جعلی می دانند و این روایت توسط امویان و در مقابله با روایت «الحسن و الحسین سیدا أهل الجنة» وضع شده است که این فرمایش امام جواد علیه السلام را روایت سلیم بن قیس تأیید می کند و نشان می دهد که این روایت را عمرو بن عاص جعل کرده است.^{۴۱}

مؤید دیگر جعلی بودن این روایت، فقره‌ای است که در ذیل روایت سالخوردگان بهشت وجود دارد که مطابق روایتی که به حضرت علی علیه السلام نسبت داده شده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از این که فرمودند: «ابوبکر و عمر سرور پیران اهل بهشت هستند» خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند: یا علی! این فضیلت را به ابوبکر و عمر نگو؛ درحالی که بقیه صحابه را که از این حدیث اطلاع داشتند از نقل حدیث و گفتن آن به ابوبکر و عمر نهی نکردند و ممکن بود آن‌ها روایت را برای ابوبکر و عمر نقل کنند.

اهل سنت درباره فضائل ابوبکر، عمر و عثمان روایات زیادی که مفاد آن‌ها روشن تر از حدیث سالخوردگان بهشت است، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند اما در مورد هیچ روایتی نقل نشده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور کتمان و عدم پخش آن را داده باشند. مگر این حدیث چه ویژگی خاصی دارد که ابوبکر و عمر نباید در زمان حیاتشان از آن آگاه شوند؟^{۴۲}

بنابر آنچه گفتیم؛ این روایت از نظر سندی و مفادی ضعیف است و شکی باقی نمی ماند که روایت سالخوردگان بهشت در مقابل حدیث مشهور و متواتر «الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة» وضع و جعل شده است.

^{۴۰} بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲۷، ص ۲۱۳، کتاب الإمامة، باب شده محنهم و أنهم أعظم الناس مصيبة، ح ۱۵ و ج ۲، ص ۲۱۸، کتاب العلم، باب ۲۸ ما تریه العامة من أخبار الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ح ۱۴.

^{۴۱} «هذه الخبر محال، لأن أهل الجنة كلهم يكونون شباباً و لا يكونون فيهم كهل و هذا الخبر وضعه بنو أمية لمضادة الخبر الذي قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في الحسن و الحسين بأنهما سیدا شباب أهل الجنة». الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۴۶، احتجاج أبي جعفر محمد بن علی الثانی فی أنواع شتی من المعلوم الدينية، أجوبة الإمام محمد الجواد علیه السلام علی أسئلة یحیی بن اَکثم؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۸۰-۸۱، تاریخ الإمام محمد الجواد علیه السلام، باب ۲۷ تزویجه أم الفضل و ما جرى فی المجلس، ح ۶؛ کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۷۳۶-۷۳۷، الحدیث الثانی و العشرون؛ بحار الأنوار، ج ۳۳، ص ۲۲۴، باب ما جرى بينه علیه السلام و بين عمرو بن العاص، ح ۵۱۳.

^{۴۲} التلخیص الشافی، ج ۳، ص ۲۲۳، و أما الاستدلال بالروایات.

این روایت اشکالات دلالتی و مفادی دیگری نیز دارد که در ادامه به آن می پردازیم:

مقصود از سرور پیران اهل بهشت

در این رابطه دو احتمال مطرح است که هر دو احتمال باطل است.

احتمال اول

منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این است که ابوبکر و عمر بر پیرانی که در بهشت حضور دارند، سروری می کنند.

این احتمال اصلاً قابل قبول نیست؛ زیرا مطابق روایتی که ترمذی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده و مورد

قبول همه مسلمانان و علمای اسلام است، هیچ انسان پیری در بهشت حضور ندارد تا ابوبکر و عمر سرور آنان باشند.^{۴۳}

این احتمال را حتی مأمون رد می کند که یکی از علمای اهل سنت که می خواست از روایت سالخوردهگان بهشت، برتری ابوبکر را بر امام علی علیه السلام اثبات کند و مأمون اتفاقی را که در مورد پیر زنی در قبیله اشجع رخ داد را به او گوشزد کرد که پیر زنی بخاطر فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم که فرموده بودند هیچ پیر زنی وارد بهشت نمی شود، ناراحت شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم با اشاره به آیه «۳۷ سوره واقعه» بیان کردند که پیران با صورت جوان وارد بهشت می شوند.^{۴۴}

سیوطی و مبارکفوری از عالمان اهل سنت، نیز با بیان این که در بهشت انسان پیری وجود ندارد تا بخواهند ابوبکر و عمر

سرور آنان باشند، این احتمال را رد کرده اند.^{۴۵}

احتمال دوم

منظور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم این است که ابوبکر و عمر سرور پیرانی هستند که در سن پیری از دنیا می روند و

داخل بهشت می شوند.

این احتمال نیز باطل است؛ زیرا با روایات فراوان دیگری که در منابع اهل سنت نقل شده در تعارض است.

^{۴۳} «أهل الجنة جردٌ مُردٌ كحلٌ لا ينفى شبايهم...» سنن الترمذی: ص ۴۶۲، کتاب صفه الجنة، باب ۸، ما جاء في صفة ثياب أهل الجنة، ح ۲۵۳۹.

^{۴۴} عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲، ص ۱۸۷، باب ۴۵، فی ذکر ما یتقرب به المأمون إلى الرضا علیه السلام، ح ۲؛ بحار الأنوار: ج ۴۹، ص ۱۹۳، تاریخ الإمام

أبي الحسن الرضا علیه السلام، باب ما كان یتقرب به المأمون إلى الرضا علیه السلام، ح ۲

^{۴۵} سیوطی در شرح و توضیح روایت می نویسد: «و المعنى هما سيدا من مات كهلا و إلا فليس في الجنة كهلا». شنن ابن

ماجه: ص ۳۴، المقدمة، باب ۱۱، باب فی فضائل أصحاب رسول الله، باب فضل أبي بكر، ذیل روایت ۹۵، مبارکفوری نیز همچون سیوطی معتقد است

در بهشت انسان های پیر و کهنسال حضور ندارند. تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی: ج ۱۰، ص ۱۴۴، کتاب المناقب، باب فی مناقب أبي بكر و

عمر، ذیل ح ۳۶۷۴

روایت متواتری درباره امام حسن و امام حسین علیهما السلام در منابع حدیثی و تاریخی اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمودند: «حسن و حسین سرور جوانان بهشت هستند و پدرشان از این دو بهتر است».^{۴۶} بر اساس مفاد روایت «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة» و اینکه همه اهل بهشت جوان هستند، امام حسن و امام حسین علیهما السلام سرور همه کسانی هستند که داخل بهشت می‌شوند؛ لذا حتی اگر بر فرض محال ابوبکر و عمر که در سن پیری از دنیا رفته‌اند، داخل بهشت می‌شوند، امام حسن و امام حسین علیهما السلام بر این دو نفر سروری می‌کنند. با توجه به این روایات که حضرت علی علیه السلام برتر از امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌باشد بر ابوبکر و عمر نیز برتری دارد.

در روایت دیگری که در منابع اهل سنت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است، حضرت علی علیه السلام را در دنیا و آخرت، سرور و آقای همه مسلمانان معرفی کرده‌اند.^{۴۷}

جدا از روایات و نقدهایی که در رابطه با این احتمال مطرح شد؛ این احتمال هم بر اساس همان فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به پیرزن قبیله اشجع که در احتمال اول بیان شد، رد می‌شود؛ پس حتی اگر مرد یا زنی در پیری از دنیا برود و داخل بهشت شود، در بهشت جوان خواهد بود.

پس هر دو احتمال مطرح شده در مورد روایت «سالخوردگان بهشت» باطل می‌باشد و این را از طریق قرآن کریم و روایات مورد قبول اهل سنت و اعتراف علمایشان ثابت کردیم.

عدم استناد ابوبکر و عمر به روایت سالخوردگان بهشت

ابوبکر و عمر در هیچ جایی نه در سقیفه و نه در مواضع دیگر، برای اثبات برتری خود به این روایت استدلال نکرده‌اند؛ چون اگر اینچنین روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل می‌شد حتماً ابوبکر و عمر از آن برای برتر نشان دادن خود استفاده می‌کردند.

اعراض بخاری و مسلم از حدیث سالخوردگان بهشت در صحاح خود

^{۴۶} «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة و أبوهما خیر منهما». حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث می‌نویسد: حدیث مذکور با فقره «أبوهما خیر منهما» حدیث صحیحی است ولی بخاری و مسلم نقل نکرده‌اند. ذهبی نیز حدیث مذکور را صحیح می‌داند. المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۸۲، کتاب معرفة الصحابة، مناقب الحسن و الحسين، ج ۴۷۷۹/۳۷۷ و ۳۷۸/۴۷۸؛ سنن ابن ماجه: ص ۲۹، المقدمة، باب فضل علی بن أبی طالب، ج ۱۸، ترمذی روایت را بدون فقره «أبوهما خیر منهما» نقل کرده است. سنن الترمذی: ص ۶۷۶، کتاب المناقب، باب ۳۱، مناقب الحسن و الحسين، ج ۳۷۶۸ و ۳۷۸۱.

^{۴۷} «یا علی! أنت سید فی الدنیا، سید فی الآخرة». حاکم نیشابوری پس از نقل حدیث می‌نویسد: روایت مذکور مطابق شروط بخاری و مسلم صحیح است. المستدرک علی الصحیحین: ج ۳، ص ۱۳۸، کتاب معرفة الصحابة، ج ۴۶۴۰/۲۳۸؛ الإستیعاب فی معرفة الاصحاب: ج ۳، ص ۲۰۳، شرح حال حضرت علی علیه السلام، ش ۱۸۷۵.

بخاری و مسلم این حدیث را در صحاح خود نیاورده‌اند که برخی معتقدند این نشان دهنده آن است که در صحت اینجور روایات شک داشته و آن‌ها را قبول ندارند.^{۴۸}

نقل نشدن روایت «سالخوردگان بهشت» در منابع شیعه

این روایت را هیچ مؤلفی از عالمان شیعه نقل نکرده است و فقط در منابع اهل سنت نقل شده است؛ پس نمی‌توان از این روایت علیه شیعه احتجاج کرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و مطالعات صورت گرفته بدست آمد که این روایت از لحاظ سندی و دلالتی ضعیف می‌باشد و در مقابل حدیث مشهور و متواتر «الحسن و الحسين سیدا شباب أهل الجنة» جعل و وضع شده است و اهل سنت نمی‌توانند از این روایت برای برتری ابوبکر و عمر در بحث خلافت استفاده کنند و به آن تمسک بجویند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، متوفای قرن ششم، دارالنعمان، ۱۳۸۹ هجری قمری، نجف، عراق
- ۲- الإستیعاب فی معرفه الأصحاب، ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، متوفای ۴۶۳ هجری قمری، دارالکتب العلمیه، محقق: شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، چاپ اول، ۱۴۱۵ هجری قمری، بیروت، لبنان
- ۳- أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ابن اثیر جزری، علی بن محمد، متوفای ۶۳۰ هجری قمری، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۹ هجری قمری، بیروت، لبنان
- ۴- الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، متوفای ۸۵۲ هجری قمری، دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم، ۲۰۱۰ میلادی، بیروت، لبنان
- ۵- بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الأطهار، علامه مجلسی، محمد باقر، متوفای ۱۱۱۱ هجری قمری، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هجری قمری، بیروت، لبنان
- ۶- تاریخ بغداد أو مدینه السلام، خطیب بغدادی، احمد بن علی، متوفای ۴۶۳ هجری قمری، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان

^{۴۸} محمد ناصرالدین البانی شبیه به این مطلب را از شخصی به نام سعید الافغانی نقل کرده است. «یظن الأستاذ الصدیق أن إهمال أصحاب الصحاح لحدیث ما إنما هو لعله فیہ». سلسله الأحادیث: ج ۱، ص ۸۵۱، حدیث الحوآب «أیتکن تنبج علیها کلاب الحوآب»، ش ۴۷۴.

٧- تاريخ الخلفاء، سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر، متوفى ٩١١ هجرى قمرى، محقق: دكتور محمد كمال الدين، عام الكتب، چاپ اول، ١٤٢٣ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

٨- التاريخ الكبير، بخارى، محمد بن اسماعيل، متوفى ٢٥٦ هجرى قمرى، دار الفكر، ١٤٠٧ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

٩- تحفة الأhoodى بشرح جامع الترمذى، مبار كفورى، محمد عبدالرحمن بن عبدالرحيم، متوفى ١٣٥٣ هجرى قمرى، دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ١٤٣٠ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

١٠- تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، متوفى ٨٥٢ هجرى قمرى، دار المعرفة، محقق: عبدالوهاب عبداللطيف، چاپ دوم، ١٣٩٥ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

١١- تلخيص الشافى، شيخ طوسى، محمد بن حسن، متوفى ٤٦٠ هجرى قمرى، مكتبة العلمين الطوسى و بحر العلوم، چاپ دوم، ١٣٨٣ هجرى قمرى، نجف اشرف، عراق

١٢- تنقيح المقال فى علم الرجال، علامه مامقانى، عبدالله، متوفى ١٣٥١ هجرى قمرى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ١٤٢٦ هجرى قمرى، قم، ايران

١٣- تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، متوفى ٨٥٢ هجرى قمرى، دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

١٤- تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، مزى، يوسف بن عبدالرحمن، متوفى ٧٤٢ هجرى قمرى، دار الفكر، ١٤١٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

١٥- الجرح و التعديل، رازى، عبدالرحمن بن ابي حاتم، متوفى ٣٢٧ هجرى قمرى، دار الفكر، چاپ اول، بيروت، لبنان

١٦- حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ابونعيم اصفهانى، احمد بن عبدالله، متوفى ٤٣٠ هجرى قمرى، دار الفكر، ١٤١٦ هجرى قمرى، بيروت، لبنان

١٧- سلسله الأحاديث الضعيفه و الموضوعه و أثرها السىء فى الأمه، البانى، محمد ناصرالدين، معاصر، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٢٥ هجرى قمرى، رياض، عربستان

١٨- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوينى، متوفى ٢٧٣ هجرى قمرى، دار ابن الجوزى، چاپ اول، ١٤٢٣ هجرى قمرى، قاهره، مصر

١٩- سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد قزوينى، متوفى ٢٧٣ هجرى قمرى، محقق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفكر، بي تا، بيروت، لبنان

٢٠- سنن الترمذى، ترمذى، محمد بن عيسى، متوفى ٢٧٩ هجرى قمرى، دار ابن الجوزى، چاپ اول، ١٤٣٢ هجرى قمرى، قاهره، مصر

- ٢١- سير أعلام النبلاء، ذهبي، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، مؤسسه الرساله، محقق: شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقوسى، چاپ يازدهم ١٤١٧ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٢٢- شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبه الله، متوفى ٦٥٦ هجرى قمرى، دار إحياء الكتب العربيه، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم، چاپ دوم، ١٣٨٥ هجرى قمرى
- ٢٣- الضعفاء الكبير، عقيلى، محمد بن عمرو بن موسى، متوفى ٣٢٢ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، محقق: دكتور عبدالمعطى امين قلعجى، چاپ اول، ١٤٠٤ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٢٤- الضعفاء و المتروكين، ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، متوفى ٥٩٧ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، محقق: عبدالله القاضى، بيروت، لبنان
- ٢٥- عيون أخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين، متوفى ٣٨١ هجرى قمرى، تحقيق: سيد مهدي حسيني لاوردى، چاپخانه زندگى، ١٣٦٣ شمسى، قم، لبنان
- ٢٦- قاموس الرجال، علامه محمد تقى شوشترى، متوفى ١٤١٦ هجرى قمرى، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسین حوزه علميه قم، چاپ دوم، ١٤١٠ هجرى قمرى، قم، ايران
- ٢٧- الكاشف فى معرفه من له روايه فى الكتب الستة، ذهبي، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، دارالكتب الحديثه، چاپ اول، ١٣٩٢ هجرى قمرى، قاهره، مصر
- ٢٨- الكامل فى الضعفاء الرجال، ابن عدى، ابواحمد عبدالله بن عدى، متوفى ٣٦٥٥ هجرى قمرى، دارالفكر، محقق: سهيل زكار و يحيى مختار غزاوى، چاپ سوم، ١٤٠٩ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٢٩- الطبقات الكبرى: ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع، متوفى ٢٣٠ هجرى قمرى، دار صاد، چاپ دوم، ١٤١٨ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٠- لسان الميران: ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، متوفى ٨٥٢ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، محقق: شيخ عادل احمد عبدال موجود و شيخ على محمد معوض، چاپ اول، ١٤١٦ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣١- المجروحين، ابن حبان، محمد بن حبان، متوفى ٣٥٤ هجرى قمرى، دار المعرفه، محقق: محمود ابراهيم زايد، چاپ اول، ١٤١٢ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٢- المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، متوفى ٤٠٥ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ دوم، ١٤٢٢ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٣- المسند، احمد بن محمد بن حنبل، متوفى ٢٤١ هجرى قمرى، دار صاد، بی تا، بيروت، لبنان

- ٣٤- مسند أبي يعلى، احمد بن على بن مثنى، متوفى ٣٠٧ هجرى قمرى، محقق: مصطفى عبدالقادر عطا، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٨ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٥- المصنف فى الأحاديث و الآثار، ابن أبى شيبه، عبدالله بن محمد، متوفى ٢٣٥ هجرى قمرى، دارالفكر، محقق: سعيد محمد اللحام، چاپ اول، ١٤٠٩ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٦- المعارف، ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، متوفى ٢٧٦ هجرى قمرى، منشورات الشريف الرضى، محقق: ثروت عكاشه، چاپ اول، ١٤١٥ هجرى قمرى، قم، ايران
- ٣٧- المعجم الأوسط، طبرانى، سليمان بن احمد، متوفى ٣٦٠ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، محقق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، چاپ اول، ١٤٢٠ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٨- المعجم الصغير، طبرانى، سليمان بن احمد، متوفى ٣٦٠ هجرى قمرى، دارالفكر، مصحح: عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، ١٤٠١ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٣٩- المعجم الكبير، طبرانى، سليمان بن احمد، متوفى ٣٦٠ هجرى قمرى، دار إحياء التراث العربى، محقق: حمدى عبدالمجيد سلفى، چاپ دوم، بى تا، بى جا
- ٤٠- معرفة الصحابة، ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، متوفى ٤٣٠ هجرى قمرى، دارالكتب العلميه، چاپ اول ١٤٢٢ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٤١- المغنى فى الضعفاء، ذهبى، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، محقق: ابوالزهراء حازم القاضى، دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٨ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٤٢- الموضوعات، ابن جوزى، عبدالرحمن بن على، متوفى ٥٩٧ هجرى قمرى، دارالفكر، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، چاپ دوم، ١٤٠٣ هجرى قمرى، بيروت، لبنان
- ٤٣- ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، ذهبى، محمد بن احمد، متوفى ٧٤٨ هجرى قمرى، دارالفكر، محقق: على محمد البجاوى، بى تا، بيروت، لبنان
- ٤٤- نقد ادله خلافت، طبسى، نجم الدين، تحقيق: حسن بلقان آبادى، چاپ چهارم، بهار ١٤٠٠